

آیا مومن سیاسی است ؟

دیانت ما عین سیاست ماست .

تبیین حکومت در قرآن کریم و نهج البلاغه و تحلیلی از

زندگی ائمه اطهار

و روش کسب تحلیل سیاسی و روشنگری

♦ - ما ملت گریه ی سیاسی هستیم . این مظاهر و شعائر و اموری که در اسلام در آن سفارش شده باید فکر کنید که اینها یک مسئله سطحی نبوده است که می خواستند جمع بشوند و گریه کنند، خیر.



ما ملت گریه سیاسی هستیم، ما ملتی هستیم که با همین اشکها سیل جریان می دهیم و خرد می کنیم سدهایی را که در مقابل اسلام ایستاده است.

صحیفه امام خمینی « جلد ۱۳ » صفحه ۳۲۷

♦ - البته این که ما میگوییم به کار دانشجویی پردازید، معنایش این نیست که دانشجویان به مسائل سیاسی جامعه نپردازند؛ نه. باید حتماً به مسائل سیاسی جامعه و جهان پردازند. اگر شما سرتان را پایین انداختید، از همه چیز محروم خواهید ماند. باید سرتان بالا باشد؛ باید دید شما وسیع باشد؛ باید افق دید، کاملاً دور و فراگیر باشد. لیکن نباید از مسائل دانشجویی غافل شوید.



بیانات در دیدار جمعی از اعضای تشکلهای دانشجویی ۱۵/۰۹/۱۳۷۵

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سر دبیران نشریات دانشجویی

۴/۱۲/۱۳۷۷

• بی‌رودربایستی باید به شما عرض کنم که اگر شما بخواهید درس خواندنتان را فدای این کارهایی بکنید که خیال می‌کنید خوب است - حالا یا خوب است، یا خوب هم نیست - بنده هیچ اعتقادی به این کار ندارم. درس، اول است. فلسفه‌ی حضور شما در آن‌جا درس خواندن است. اگر واقعاً دانشجویی درس نخواند، بلاشک بدانید که او مشغول ذمه است؛ یعنی ذمه‌اش مشغول مردم و خدا و همه است! هرکسی که سهمی در ایجاد این دانشگاه دارد، ذمه‌اش مشغول به اوست و باید پیش خدای متعال جواب دهد. حالا در دنیا ممکن است کسی یقه‌ی کسی را در این‌طور چیزها نگیرد؛ اما در روز قیامت یقیناً سؤال خواهند کرد که چرا درس نخواندی؟! پس، اول درس خواندن است.

• بلاشک درس خواندن همه‌ی وقت دانشجو را نمی‌گیرد؛ برای او وقتی باقی می‌ماند که باید این وقت را برای مسائل فکری، برای مسائل سیاسی - البته سیاستبازی نمی‌گویم - استفاده کند. کار سیاسی در دانشگاه نباید حالت افراط و تفریط داشته باشد. یک وقت هست که تفریطی وجود دارد؛ اصلاً دانشگاه همین‌طور مثل یک مرده است! این همه جوان وجود دارند که گاهی در مسائل سیاسی، نه موضعی می‌گیرند و نه حرفی می‌زنند! بنده در موقعی گفتم خدا لعنت کند کسانی را که دانشگاه را به این طرف سوق می‌دهند. یک وقت هم دانشجو را در همه‌ی مسائلی که هیچ ارتباطی با او ندارد - مسائل و مشکلات گوناگونی که مربوط به گروهها و جناحهاست - بیایند وارد کنند؛ از نیروی جوان او استفاده کنند و او را این طرف و آن طرف بکشانند؛ این هم به نظر من افراط است.

تبیین حکومت و سیاست در اندیشه‌های اسلامی ؛ معارف قرآن کریم و نهج البلاغه ؛ بیانات رهبر انقلاب .

الف : آیات قرآن کریم



- ♦ مقام معظم رهبری ؛ دیدار ۱۴ خرداد ۹۵ حرم امام خمینی ؛ شاخص پنجم انقلابی گری .

یک **تقوای فردی** داریم که من و شما خودمان از گناه پرهیز کنیم، خودمان را حفظ کنیم؛ قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقَوُّدَهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ؛ (۱۳) خودمان را

از آتش دوزخ الهی، از آتش غضب الهی دور کنیم؛ این تقوای فردی است.

تقوای اجتماعی - تقوای اسلامی مربوط به اجتماع - این است که در راه تحقق این چیزهایی که اسلام از ما مطالبه کرده است، تلاش کنیم. همه‌ی آن آرمانهایی که عرض کردیم، آرمانهای اسلامی است؛ یعنی مسئله، فقط مسئله‌ی یک محاسبه‌ی عقلانی نیست؛ اینکه ما عرض کردیم باید به آن آرمانها پابند بود،

باید دنبال عدالت اجتماعی بود، دنبال حمایت از محرومین بود، دنبال حمایت از مظلوم بود، با ظالم و مستکبر باید مقابله کرد، زیر بار او نرفت، **اینها همه مطالبات اسلامی است**، اسلام اینها را از ما خواسته است؛ این جور نیست که فقط یک محاسبه‌ی عقلانی و انسانی باشد؛ تکلیف دینی است.

هرکسی این چیزها را از اسلام جدا کند، اسلام را نشناخته است؛ هرکسی حوزه‌ی معرفتی اسلام را و حوزه‌ی عملی اسلام را از محیط زندگی اجتماعی مردم و سیاسی مردم دور کند، بلاشک اسلام را نشناخته است. قرآن به ما میگوید: **أَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ؛ (۱۴) عبودیت خدا - یعنی تسلیم در مقابل خدا بودن - و اجتناب از طاغوت،**

و در آیه‌ی دیگر [میگوید]: **الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا؛ (۱۵) اینها دستور قرآن است.**

- وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (٤٠) الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ
وَأَتَوْا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (٤١) سورة ی مبارکه ی حج

- مصادیق امر به معروف و نهی از منکر در بیان رهبر انقلاب، ذیل آیه ی ٤٠ و ٤١ سورة ی حج
مقام معظم رهبری : از امر به بزرگترین معروف ها و نهی از بزرگترین منکر ها ، ایجاد حکومت
اسلامی است. معروفی بالاتر از ایجاد نظام اسلامی و حفظ نظام اسلامی نداریم ، حفظ عزت و
آبروی ملت ایران بزرگترین معروف است اعتلای فرهنگ، سلامت محیط اخلاقی ، سلامت محیط
اجتماعی ، سلامت محیط خانوادگی ، تکثیر نسل ، تربیت نسل جوان آماده برای اعتلای کشور ،
رونق دادن به اقتصاد و تولید ، همگانی کردن اخلاق اسلامی ، گسترش علم و فناوری ، استقرار
عدالت قضائی و عدالت اقتصادی ، مجاهدت برای اقتدار ملت ایران و ورای آن اقتدار امت اسلامی
و تلاش و مجاهدت برای وحدت اسلامی همه از مصادیق امر به معروف است .

ابتدال اخلاقی منکر است ، کمک به دشمنان اسلام منکر است ، تضعیف نظام اسلامی منکر است ،
تضعیف فرهنگ اسلامی منکر است ، تضعیف اقتصاد جامعه و تضعیف علم و فناوری منکر است .

کتاب طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن ؛ استفاده از تدبیر آیات قرآن کریم

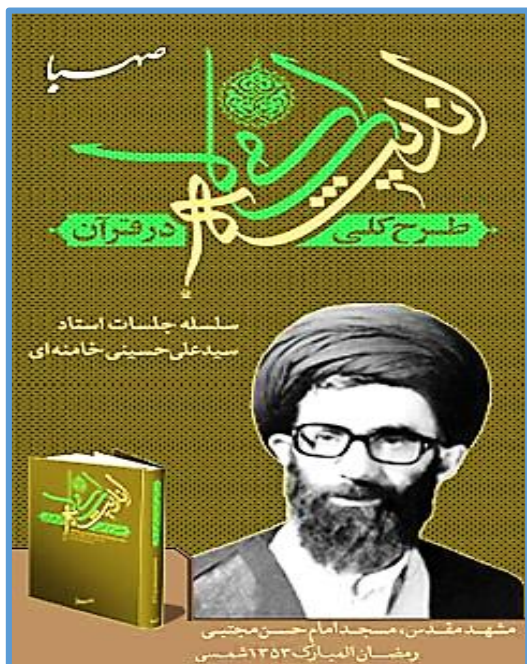
تحلیلی از زندگی پیامبر اکرم :

مقام معظم رهبری در کتاب طرح کلی اندیشه ی اسلامی :

متن کامل آیه ی ٢٥ حدید :

به متن عربی خوب دقت کن ...

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ
لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ
لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ
عَزِيزٌ ٢٥



میفرماید: " ارسلنا رسلنا " و بعد میفرماید " کتاب " و بعد میفرماید " المیزان " و بعد " انزلنا الحديد " ، " فيه بأس شديد "

یعنی برای برقراری میزان و عدل ، آهن فرستادیم که در آن شدت هست یعنی سخت برخورد می کنیم ... یعنی برخورد هم داریم ...

نکته ی مهم دیگر :

این طور نیست انبیاء بیایند یک گوشه ای بنشینند و مردم را نصیحت اخلاقی بکند و تک تک مردم را اصلاح کند.

انبیاء می گویند اگر بخواهیم ما یکی یکی آدم ها را درست کنیم ، شب میشود و عمر می گذرد ؛ جامعه لازم است ، نظامی لازم است ،

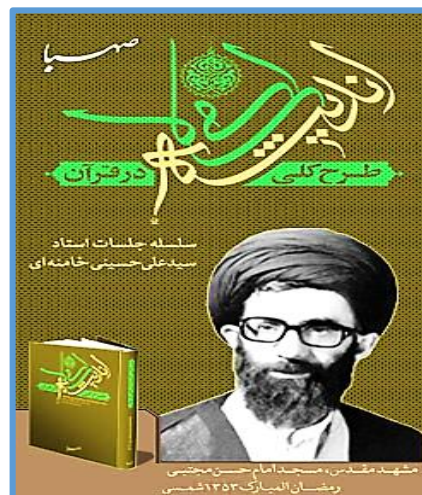
از اولی که پیغمبر مبعوث شد هم دوستانش ، هم طرفدارانش و هم دشمنانش می دانستند که پیغمبر حرفش چیست ؟ چه می خواهد بکند؟ دشمنانش می دیدند توحید یعنی کاخ آقای و ریاست آن ها را ویران کردن .

- البته خودسازی در کنار جامعه سازی هم مهم می باشد .

﴿ لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ ۚ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ ۗ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ ۚ ﴾ سورة ی مبارکه ی حج آیه ی ۷۸

" لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ " حج ۷۸ تا این پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید ، یعنی اینکه مسئول مستقیم شما ، پیامبر است و شما مسئول همه ی بشریت هستید.

" لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ " تا پیامبر بر شما گواه و مراقب و دیده بان باشد و " وَتَكُونُوا



شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ " و شما بر مردمان و بر بشریت و بر خلق ها و توده ها مراقب و نگهبان و دیده بان باشید

حالا که این جور است ، حالا که مسئولیت شما سنگین است ، حالا که شما از طرف پروردگار دارید به ماموریتی دشوار دارید گسیل می شوید ، " فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ " به پا دارید نماز را ، " وَأَتُوا الزَّكَاةَ " بدهید زکات را ، " وَأَعْتَصِمُوا بِاللَّهِ " و متوسل شوید به خدا و آیینی خدایی ، پناهنده باشید به خدا ، متکی باشید به خدا و از هیچ کس دیگر و قدرتی دیگر نترسید . آن وقتی که راهها بر شما بسته شد ، ناامید نشوید " هو مولاکم " خدا سرپرست و نگهبان و هم جبهه ی شماست. (وقتی می گوئیم علی علیه السلام مولى هست یعنی او بر ما ولایت دارد ؛ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ ﴿٧٨﴾ ، و مولای شماست چه نیکو مولایی و چه نیکو یاورى (٧٨) سوره ی حج ^۱

✓ ﴿٣﴾ بیانات رهبر انقلاب در دیدار دانشجویان ۱۲/۴/۹۵

قرآن در دو جا اشاره میکند به انحطاط ملت‌هایی که اول ایمان آوردند، بعد در نسل بعد دچار انحطاط شدند. یک جا در سوره ی مریم است که می فرماید: فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا؛ یعنی اولی‌ها مبارزه کردند و ایمان آوردند، منتها بعد -معنای «خَلَفَ» با سکون لام، با «خَلَفَ» با فتحه ی لام، ضد هم است؛ «خَلَفَ» یعنی بازمانده ی بد، «خَلَفَ» یعنی بازمانده ی خوب؛ اینجا میگوید: فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ- بازمانده‌های بدی روی کار آمدند که «أَضَاعُوا الصَّلَاةَ»؛ اولین کارشان این بود که نماز را ضایع کردند؛ وَ اتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ؛ دنبال شهوات رفتند، دنبال شهوات شخصی رفتند؛ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا؛ این دو عامل -عامل ضایع کردن نماز و دنباله‌روی از شهوات- این نیروهایی را که باید در مقام جهاد و مبارزه ایستادگی کنند و این ایستادگی قطعاً به پیروزی منتهی خواهد شد، اینها را تضعیف میکند؛ اینها را پوک میکند.

^۱ - کتاب طرح کلی اندیشه ی اسلامی در قرآن ، جلسه ی چهارم : ایمان زاینده و همراه با تعهدات عملی

نمی شود به صرف موعظه کردن اکتفا کرد ؛ باید نظام تشکیل داد تا بتوان تعبیر قرآنی "میزان" را اجرا کرد تا بتوان " ليقوم الناس بالقسط " را تحقق داد. (آیه ی ۲۵ سوره ی حدید)
ولی فرض کنید نظام هم تشکیل دادید آیا شیطان ها و گرگ ها ، دزد ها و درنده ها می گذارند این نظام عادلانه باقی بماند ؟ لذا بعد از " ليقوم الناس بالقسط " می فرماید " و انزلنا الحديد " آهن را هم فرستادیم برای چه ؟ برای اینکه از ارزش های اصیل به وسیله ی آهن است که میشود دفاع کرد.

- نقطه ی شروع دعوت انبیاء توحید است و این با بیان عبودیت و نفی طواغیت از طاغوت هایی مانند طاغوت درون خود انسان تا حاکمان طاغوت و ستمگران بیرونی .

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ /عَبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ (۳۶ سوره ی نحل)

اینکه " وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا " همانا برانگیختیم در هر امتی پیامبری . حرفش چه بود این پیامبر و رسول ؟ حرفش و پیامش این بود که : " أَنْ /عَبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ " که عبودیت کنید خدا را و دوری بگزینید از طاغوت ؛ این حرف اول پیامبر است ، هنوز از گرد راه نیامده ، حرفش این است : " أَنْ /عَبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ " گاهی این طاغوت خود تویی (از کفر و شرک تا تنبلی و تن پروری) ، گاهی هم قدرت های خارج از وجود انسانند. گاهی هم نظام های اجتماعی طاغوتی یعنی هر آنچه جلوی عبودیت خداوند و اینکه مردم بنده ی خدا باشند را بگیرد (طاغوت است .)

حال برای تحقق جهانی شدن ایمان چه ابزاری لازم است ؟ آیا نظام نیاز نیست ؟

معنای مومن حقیقی یعنی نه تنها خود مومن است بلکه همه را به سمت محبوب خود مومن می کند و همه عالم را توحیدی می کند.

ب : تحلیلی از زندگی ائمه اطهار

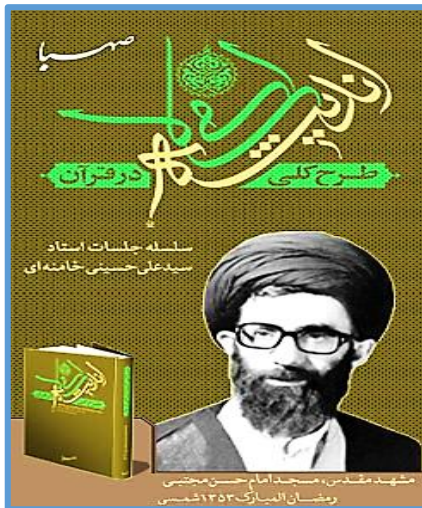
کتاب طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن ؛ استفاده از تدبیر در زندگی ائمه اطهار

یک تذکر :

خیلی از حرف‌های عالم درست است ما باید بدانیم در میان درست‌ها ، کدام لازم است ؟
در میان لازم‌ها ، کدام لازم‌تر است ؟ در میان لازم‌ترها کدام فوری است ؟ در میان فوری‌ها کدام فوتی و حیاتی است ؟

از اولی که پیغمبر مبعوث شد هم دوستانش ، هم طرفدارانش و هم دشمنانش می‌دانستند که پیغمبر حرفش چیست ؟ چه می‌خواهد بکند ؟ دشمنانش می‌دیدند توحید یعنی کاخ آقایی و ریاست آن‌ها را ویران کردن .

هدف دوم انبیاء این است که انبیاء می‌گویند برای ساختن انسان باید محیط متناسب و محیط سالم باشد تا بتوان در آن انسان را تربیت کنند. انبیاء نمی‌آیند دانه دانه انسان را تربیت کنند .
انبیاء می‌گویند اگر بخواهیم ما یکی یکی آدم‌ها را درست کنیم ، شب میشود و عمر می‌گذرد ؛ جامعه لازم است ، نظامی لازم است ، باید در منگنه‌ی یک نظام انسان‌ها به شکل دلخواه ساخته بشوند و بس ، دانه دانه نمی‌شود ، باید کارخانه درست کرد.
مانند درخت است باید در هوای مناسب باشد . باید در زمین مناسب باشد .



✓ - چرا این گزینش و انتخاب را انجام دادیم ؟ برای چه ؟ تا چه شود ؟ تا شما چه کنید و به کجا برسید ؟ " لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ " حج ۷۸ تا این پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید ، یعنی اینکه مسئول مستقیم شما ، پیامبر است و شما مسئول همه‌ی بشریت هستید.

تصور ما از انبیاء تصویری دیگری است ، مردم خیال می کنند که انبیا در یک جامعه ظهور می کنند مثل یک آدم حکیم، فرزانه ، دانشمند ، بزرگواری که کوهی از معلومات دارد ؛ در جامعه یک خانه می گیرد گوشه ای میشیند تا مردم بیایند و گروه گروه از خرمن دانش او استفاده کنند ؛ خیال کننده انبیا آدمی چنین موجودی است .

پیامبر اینجوری ها نیست ؛ پیامبر وقتی می آید و در یک اجتماعی مبعوث می شود

این دیگر سر از پا نمی شناسد آدم است که آرام و قرار ندارد

یک انسان است که تبدیل شده به یک شعله سوزان جوآله . می بیند ساختمان ، ساختمان غلطی است که باید پایه ی غلط آن را نابود کند . جامعه دارای تبعیض ، دارای ظلم دارای نابسامانی ، دارای نامردمی ها باید تبدیل بشود به صورت به یک جامعه توحیدی.

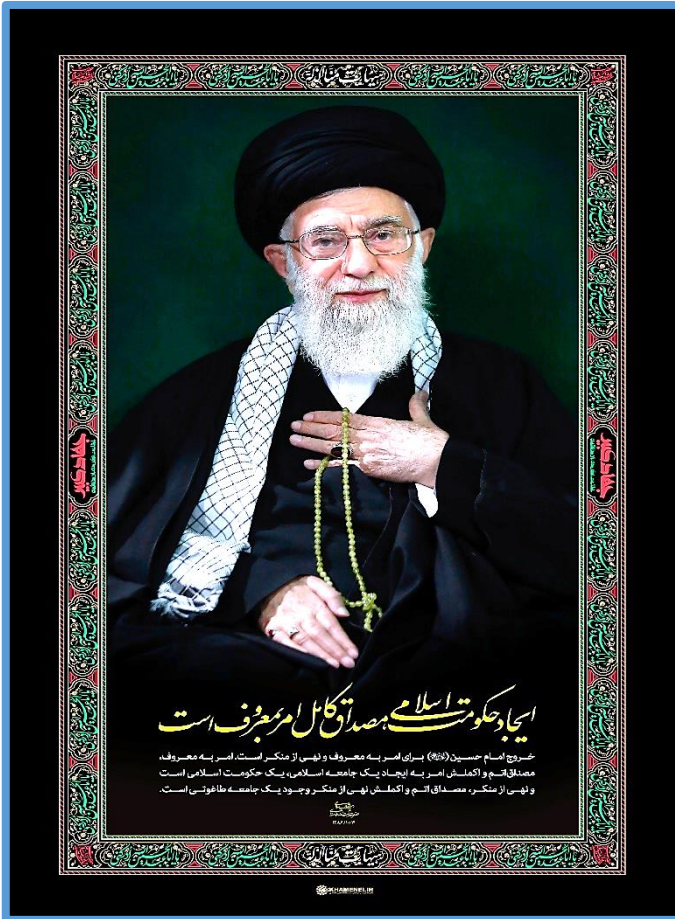
- نکته ی دوم این است که پیروان از چه راهی باید وارد بشوند ؟ از کجاها باید شروع کنند تا بهتر و قاطع تر و نتیجه بخش تر از آن نقطه ای که انبیاء از آنجا شروع کردند ؟

- متأسفانه مشاهده می شود روحانیون تبلیغی خیلی اوقات موضوعاتی را مطرح میکنند که اولویت ندارد . مثلاً راجع یک داستان فرعی و نه چندان ضروری امروز و شرایط امروز .

ما حتماً باید شرایط روز را برای تبلیغ را در نظر بگیریم .

شاید مهمترین نیاز این است بگوییم که پیامبر برای چه آمده است ؟ پیشنهادش برای شکل اجتماع چه بوده است ؟ درباره ی حکومت چه می گفت ؟

تحلیلی از حرکت امام حسین علیه السلام در بیانات مقام معظم رهبری :



📷 پوستر | رهبرانقلاب: ایجاد حکومت اسلامی،
مصداق کامل امر به معروف است.

🚩 #جهاد_کبیر

🚩 خروج امام حسین علیه السلام برای امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف و نهی از منکر، مصداق اتم و اکملش امر به ایجاد یک جامعه اسلامی، یک حکومت اسلامی است و نهی از منکر مصداق اتم و اکملش نهی از منکر وجود یک جامعه طاغوتی است.

شرح : امام حسین علیه السلام و ائمه اطهار دیگر در صورت پیروزی می خواستند حکومت

تشکیل دهند و به معنای واقعی یک نظام سیاسی را ایجاد و حاکمیت را برقرار کنند تا از قبل آن دین را به اجرا بگذارند و با ایجاد نظام اجتماعی که جلوی آزادی معنوی را نمی گیرد نفس های مستعد را به سیر الی الله ببرند تا هدف خلقت را تحقق دهند . با ایجاد نظام می خواستند از پیش زمینه حکومت برای این سیرالی الله مع الخلق استفاده کنند . - با حداکثری مردم و افراد جامعه و معنای اتم و اکمل لا اله الا الله .

تحلیلی از حرکت ائمه‌ی اطهار در کتاب انسان ۲۵۰ ساله ؛ بیانات رهبری درباره زندگی سیاسی - مبارزاتی امام معصومین علیهم السلام :

تمام کارهای ائمه در طول این دوپست و پنجاه سال، کار یک انسان با یک هدف، با یک نیت و با تاکتیکهای مختلف است. چند هدف را اهداف اصولی خود قرار دادند ... ائمه (علیهم السلام) همه شان بمجرد اینکه بار امانت امامت را تحویل می‌گرفتند، یکی از کارهایی که شروع کردند، یک مبارزه‌ی سیاسی بود، یک تلاش سیاسی بود برای گرفتن حکومت.

ائمه باز آنجائی هم که درباره‌ی خصوصیات امام حرف می‌زنند، باز یک عمل سیاسی دارند انجام میدهند. - از معارف نهج البلاغه گرفته تا دعای‌های صحیفه‌ی سجادیّه تا نصب شمشیر و زره در اتاق امام موسی کاظم علیه السلام - . ائمه دو کار می‌کردند : یکی بیان ویژگی نماینده خدا در حکومت و دیگری بیان این مصداق در حال حاضر . اگر ائمه (علیهم السلام) غیر از این دو تا کاری که گفتم هیچ کار دیگر نداشتند، کافی بود که ما بگوئیم زندگی ائمه از اول تا به آخر یک زندگی سیاسی است.

خطبه‌های نماز جمعه تهران ۲۳/۰۱/۱۳۶۴



مردم مشتاقانه، نیازمندانه، از علی می‌خواهند که به نیاز آنها پاسخ بگوید، امیرالمؤمنین برای حکومت یک شأن واقعی قایل نیست، حکومت برای علی یک هدف نیست همچنانی که در بحث بعدی باید روشن بشود، اما با این حال حکومت را می‌پذیرد به عنوان یک وظیفه، و می‌ایستد و از آن دفاع می‌کند. «فلو لا حضور الحاضر و قیام الحجۃ بوجود ناصر و ما اخذ الله علی العلماء ان لا یقاروا علی کظه ظالم و لا سغب مظلوم لالقیة حبلها علی غاربها و لسقیة آخرها بکأس اولها و لالفیتم دنیاکم هذه ازهد عندی من عطفه عنز» (اگر حضور مردم نبود، اگر پیمانی که خدا از علما نگرفته بود ...) باز هم برای من حکومت ارزشی ندارد، باز هم حاضر نیستم برای به دست آوردن یک مقام، یک جاه از ارزشها بگذرم. باز هم حاضریم با همان جام نخستین این جمع را سیراب کنم، همچنانی که روز اول کنار نشستیم باز هم کنار بنشینیم. مؤکداً می‌گوید «دعونی والتسموا غیری» (خطبه ۹۲) مرا بگذارید به سراغ دیگران بروید، اما وقتی احساس می‌کند که وظیفه است، احساس می‌کند زمینه آماده است و او می‌تواند این نقش عظیم و اساسی را بر عهده بگیرد، آن وقت قبول می‌کند. **بیانات در اولین کنگره بین‌المللی نهج البلاغه**

۲۹/۰۲/۱۳۶۰

نفی طواغیت در حدیث

حدیث عمر بن حنظله (وسایل الشیعه باب قضاوت و صفات قاضی، ج ۱۸، ص ۹۸-۱۰۰)

عمر بن حنظله گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: دو نفر از ما که در مورد قرض یا ارث نزاع دارند نزد سلطان و قضات او می‌روند، آیا این عمل جایز است؟

حضرت فرمود: کسی که در موضوعی حق یا باطل نزد آنها برود تا درباره او قضاوت کنند به نزد طاغوت رفته است و آنچه را که او قضاوت کند و مالی را با قضاوت او بگیرد، اگر چه حق وی باشد، مال حرامی را گرفته است، زیرا آن مال را به حکم طاغوت گرفته است در صورتی که خداوند فرموده است: «می‌خواهند طاغوت را حاکم خود قرار دهند در صورتی که امر شدند که به

او کفر ورزند.»

عرض کردم: پس این دو نفر چه کنند؟

امام علیه السلام فرمود: نگاه کنند به کسی از شما شیعیان که حدیث ما را روایت می‌کند و در حلال و حرام ما نظر انداخته و احکام ما را می‌شناسد به حکمیت او راضی شوند که همانا من او را حاکم بر شما قرار دادم. اگر حکم کرد و کسی از او قبول نکرد، حکم خدا را سبک شمرده و ما را رد کرده است، و کسی که ما را رد کند، خدا را رد کرده است و چنین کاری در حد شرک به خدای تعالی است.^۲

استدلال در گوش دادن به بیانات رهبری با استفاده از حدیث بالا :

- اگر ما پذیرفتیم که ولی فقیه نماینده‌ی امام معصوم است پس حرف او ، حرف امام است . پس اگر ما می‌گوییم ای امام زمان علیه السلام تشریف بیار تا ما به حرف تو گوش دهیم و بعد به بیانات رهبری گوش ندهیم ؛ امام زمان علیه السلام تشریف می‌آورند و می‌فرماید : ما داشتیم حرف می‌زدیم شما گوش نمی‌دادید ، مگر ما نگفتیم این فرد با این ویژگی نماینده‌ی ما است .

۲- (توضیحی از حضرت امام خمینی : امام خمینی در کتاب ولایت فقیه : در آیه‌ای که در این حدیث آمده امام صادق علیه السلام می‌فرماید : قال الله تعالی : «یریدون ان یتحاکموا الی الطاغوت و قد امروا ان یکفروا به (سوره‌ی نساء آیه‌ی ۶۰) پس وقتی امام صادق علیه السلام می‌فرماید : قد جعلته علیکم حاکماً، فاذا حکم بحکمنا فلم یقبل منه فانما استخف بحکم الله ، در ذهن امام هم حاکم به معنی حاکم است نه اینکه بعضی می‌گویند قاضی. (مقاله‌ی آقای خسروپناه)

- توضیحی دیگر : استدلال دوم: امام علیه السلام مردم را از مراجعه به طاغوت و قضات او نهی کرده است. اگر تنها از مراجعه به قضات طاغوت نهی می‌کرد، فقیه معرفی شده امام علیه السلام تنها مراجعات قضایی داشت، اما از آنجایی که از طاغوت هم که حاکم آنها می‌باشد، نهی فرمود، بنابراین فقیه‌ی که جایگزین او می‌شود طبعاً باید از سمت حاکمیت که همان حکومت و زعامت جامعه است برخوردار باشد تا وظایف مربوط به او بر زمین نماند.

- امام صادق علیه السلام در حدیث فرد خاصی را معرفی نکرده است بلکه ویژگی‌های عامی فرموده‌اند.

✓ ❖ حدیث : الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ الْوَابِسُ؛ الْكَافِي، ثِقَةُ الْإِسْلَامِ كَلِينِي ج ۱ ص ۲۶

❖ ❖ بصیرت عامل شناخت اوضاع زمانه

بصیرت خودتان را بالا ببرید، آگاهی خودتان را بالا ببرید. من مکرر این جمله‌ی امیرالمؤمنین را به نظرم در جنگ صفین در گفتارها بیان کردم که فرمود: «الا و لایحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر». (خطبه ۱۷۳) میدانید، سختی پرچم امیرالمؤمنین از پرچم پیغمبر، از جهاتی بیشتر بود؛ چون در پرچم پیغمبر دشمن معلوم بود، دوست هم معلوم بود؛ در زیر پرچم امیرالمؤمنین دشمن و دوست آنچنان واضح نبودند. دشمن همان حرفهائی را میزد که دوست میزند؛ همان نماز جماعت را که تو اردوگاه امیرالمؤمنین میخواندند، تو اردوگاه طرف مقابل هم - در جنگ جمل و صفین و نهروان - میخواندند. حالا شما باشید، چه کار میکنید؟ به شما میگویند: آقا! این طرف مقابل، باطل است. شما میگوئید: ا، با این نماز، با این عبادت! بعضی‌شان مثل خوارج که خیلی هم عبادتشان آب و رنگ داشت؛ خیلی. امیرالمؤمنین از تاریکی شب استفاده کرد و از اردوگاه خوارج عبور کرد، دید یکی دارد با صدای خوشی میخواند: «أَمَّنْ هُوَ قانتَ ءاناءَ اللَّیْلِ» (سوره مبارکه الزمر آیه ۹) - آیه‌ی قرآن را نصفه شب دارد میخواند؛ با صدای خیلی گرم و تکان دهنده‌ای - یک نفر کنار حضرت بود، گفت: یا امیرالمؤمنین! به به! خوش به حال این کسی که دارد این آیه را به این قشنگی میخواند. ای کاش من یک موئی در بدن او بودم؛ چون او به بهشت میرود؛ حتماً، یقیناً؛ من هم با برکت او به بهشت میروم. این گذشت، جنگ نهروان شروع شد. بعد که دشمنان کشته شدند و مغلوب شدند، امیرالمؤمنین آمد بالاسر کشته‌های دشمن، همین طور عبور میکرد و میگفت بعضی‌ها را که به رو افتاده بودند، بلندشان کنید؛ بلند میکردند، حضرت با اینها حرف میزد. آنها مرده بودند، اما میخواست اصحاب بشنوند. یکی را گفت بلند کنید، بلند کردند. به همان کسی که آن شب همراهش بود، حضرت فرمود: این شخص را میشناسی؟ گفت: نه. گفت: این همان کسی است که تو آرزو کردی یک مو از بدن او باشی، که آن شب داشت آن قرآن را با آن لحن سوزناک میخواند اینجا در مقابل قرآن ناطق، امیرالمؤمنین (علیه افضل صلوات المصلین)

میایستد، شمشیر میکشد! چون بصیرت نیست؛ بصیرت نیست، نمیتواند اوضاع را بفهمد. ۱۳۸۸/۰۵/۰۵ بیانات در دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر

سخن آخر درباره ی آیا سیاسی باشیم :

دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران با رهبر انقلاب ۳۱/۰۵/۱۳۹۵

ایشان با انتقاد از دیدگاهی که پیشنمازی مساجد را فقط در خواندن نماز خلاصه می کند، افزودند: این نگاه جفاآمیز در واقع همان نگاه سکولار است که دین را در عمل شخصی منحصر می کند و از ورود به مسائل اجتماعی - سیاسی باز می دارد.

حضرت آیت... خامنه ای در همین زمینه خاطرنشان کردند: «اسلام سکولار و محصور در عبادات - چه فردی و چه دسته جمعی - حتی اگر طرفداران فراوانی داشته باشد، مورد خصومت سلطه گران نیست.

لزوم بیان تحلیل سیاسی در کنار اخلاق و معنویت

[در تبلیغ] باید درس اخلاق بگویید، درس اخلاق سیاسی هم بگویید، درس اخلاق و معنویت هم بگویید، تحلیل سیاسی هم بدهید، دشمن درونی را هم - که نفس اماره یا شیطان رجیم است - معرفی کنید، دشمن اجتماعی را هم - که شیطان بزرگ یا شیطانهای گوناگونند - معرفی کنید، ایادی و اذناب شیطان را هم معرفی کنید. وقتی معنای عبودیت الهی این شد که انسان از «انداد...» (سوره مبارکه البقرة آیه ۲۲) اجتناب کند و تبری جوید، باید از همه ی اشکال آن تبری جوید. «انداد...» یک وقت نفس پلید انسانی است که درون اوست؛ «نفسک التی بین جنبیک» (عوالی اللئالی، ابن ابی جمهور احسنی ج ۴ ص ۱۱۸ ح ۱۸۷)». یک وقت شیطان است که در دعای صحیفه ی سجّادیه

می گوید که «او را در وجود من مستقر کردی و به چیزی که مرا از آن متمکن نکردی، تمکن بخشیدی.» یک وقت هم شیطانهای قدرتمند عرصه ی سیاسی اند که برای اغوا و راهزنی و تسلط و ضربه زدن و به جهنم کشاندن ملتها و شعوب بشری منتظر نشسته اند. «انداد...» اینها هستند. دعوت به عبودیت، نفی اینها را می طلبد؛ چاره ای ندارید. ما توصیه نمی کنیم که منبرها و سخنرانیها را به جنبه های فردی و شخصی منحصر کنید؛ نه. ممکن است یک سخنرانی، یک منبر، یک سلسله

منبر، منحصر به این معانی باشد - مانعی ندارد - اما در کنار آن بایستی صحنه‌ی زندگی اجتماعی - سیاسی انسان هم میدان عبودیت الهی باشد. آن جا هم بایستی طواغیت ازاله و زدوده شوند و افشا گردند .بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۰۳/۱۰/۱۳۷۶

حال چگونه باید تحلیل سیاسی داشت و چگونه اقدام کرد ؟

📌 # روش کلی برای کسب تحلیل سیاسی و اطلاع از اخبار :

با شناخت اصول اسلامی و اصول غرب و بررسی اخبار چند سایت یا کانال معتبر و گوش دادن بیانات رهبری میتوانید بفهمید در چه مورد و چه موضعی باید اقدام کنید . هر چقدر سطح شناخت شما از اسلام در زمینه های تاریخی ، اعتقادی ، بیانات رهبری و سیاسی زیادتر باشد اینکه شما موضع مناسب تری را اتخاذ کنید محتمل تر است . با یک نفر که به نظرتان در عالم سیاسی - اجتماعی دارای تحلیل خوب و منطقی است به عنوان راهنمایی مشورت بگیرید. اخبار چند سایتی که خودتان به عنوان تحلیل سیاسی قبول دارید یا به شما معرفی شده است را بررسی کنید. مسائل را اصلی و فرعی کنید و خودتان را به هر مسأله ای مشغول نکنید .

کتاب های خوب برای مطالعه (در صورت نیاز به خلاصه ی پی دی اف این کتب با شماره ۰۹۳۶۳۲۱۱۷۰ یا وبلاگ khatfarhangi.mihanblog.ir بخش سیر مطالعاتی سر بزیند .

(

- ۶ کتاب سلسله کتب مبانی اندیشه ی اسلامی موسسه ی امام خمینی

- ایسم شناسی

- غرب شناسی سید احمد رهنمایی ، موسسه ی امام خمینی

- کتاب های تاریخ صدر اسلام و تاریخ معاصر

- کتاب بازگشت از نیمه ی راه و چهل تدبیر و جریان شناسی علی دارابی

- جریان شناسی تشیع انگلیسی

- توصیه می شود حتما یکبار کتاب روش تحلیل سیاسی را بخوانید .

- بررسی شبهات معروف دینی و سیاسی

- دیدن دو تا از اخبار جامع از شبکه های صدا و سیما و دیدن گفتگوی ویژه ی خبری شبکه ی ۲ یا برنامه هایی چون ثریا و برنامه هایی که با رویکرد نقد و مستند هستند در ایام تعطیلات عید نوروز و تابستان بسیار برای دست یابی به اطلاعات جامع مهم است .

🚩 # روش اقدام و روشنگری :

۱- سعی کنید حتما منطقی بتوانید تبیین کنید . ابتدا شاید خوب باشد تحلیل خود را یادداشت کنید و چند بار بخوانید و یکبار در مقام منتقد به حرفهای خود اشکال بگیرید. نوشتن روی کاغذ خود عاملی است که روی برگه ی یادداشت های خود تسلط بیشتری داشته باشید و با یک دید چندین موضوع یا چند برگه را روی یک میز ببینید . اصولاً دید روی صفحه ی لب تاپ ها محدود تر اند .

۲- جایی که حرف فردی مخالف صریح قرآن است اگر منطق عقلی را فهمیدید خوب است از آن منطق عقلی نیز استفاده کنید ولی در هر جایی قرار نیست شما تبیین عقلانی کنید چرا که شاید نتوان در همه جا دلیل منطقی آیات را پیدا کرد .

۳- در پاسخ گوئی شاید نیاز باشد به جای بررسی تئوریک یک بحث نتایج عملی را بررسی کرد و یا با تاریخ جواب داد . شاید یک چیز از لحاظ عقلی آرمانی باشد ولی اصلاً امکان عملیاتی شدن نداشته باشد . مانند آرمان شهر افلاطون .

۴- تا می شود از اسم بردن پرهیز کنید شما کلی بگوئید خیلی ها متوجه می شوند ولی اگر نیاز شد صریح تر روشنگری کنید ولی از تهمت زدن و پیگردهای قضائی مواظب باشید. مفاهیم را بگوئید مردم خود مصداق ها را می شناسند ولی جایی مصداق جرمش وضوح دارد و شما میتوانید بگوئید.

۵- اگر بگوئید این نماینده اشتباه کرد چون اصول گراست این می شود سیاست زدگی . ولی اگر بگوئید این نماینده بنا به این دلایل منطقی اشتباه کرد این می شود سیاست .

۶- در وسط حرف مناظره کننده‌ی روبروی خود اصلاً حرف نزنید و اجازه دهید حرف خود را تا آخر بزند. گاهی خونسردی خود عامل پیروزی است .

۷- مرء را رها کنید.

مرء یعنی چی ؟ گاهی اوقات پیش می آید با کسی دارید بحث سیاسی می کنید متوجه می شوید فرد حق پذیر نیست یعنی مدام سخن که سند هم برای آن است را می گوید دروغ است و بی جهت انکار می کند. دو سه بار که با فرد صحبت کردید دیدید نپذیرد ادامه دادن این صحبت ها میشه مرء . هر چند حق با تو باشد می شود دیگر نباید ادامه داد.

- یکی دو بار با طرف منطقی صحبت می کنی می بینی اون نه می پذیره و نه منطقی حرف هات رو رد می کنه و مدام لجاجت می کنه .